

# کتاب عهدی

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



کتاب عهدی - من آثار حضرت بهاء الله - دریای دانش - صفحه 176

- 181

(30)

## کتاب عهدی

اگر افاق اعلی از زخرف دنیا خالیست و لکن در خزائن توکل و تفویض از برای وراث میراث مرغوب لا عدل له گذاشتیم گنج نگذاشتیم و بر رنج نیفزودیم ایم الله در ثروت خوف مستور و خطر مکنون انظروا ثم اذ کروا ما انزله الرحمن فی الفرقان: "ویل لكل همزة لمزه الذی جمع مالا و عدده" ثروت عالم را وفائی نه آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم

مقصود این مظلوم از حمل شدايد و بلايا و انزال آیات و اظهار بینات احقاد نار ضغینه و بغضاء بوده که شاید آفاق افندهء اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و باسایش حقیقی فائز و از افاق لوح الهی نیر این بیان لائح و مشرق باید کل بان ناظر باشند

ای اهل عالم شما را وصیت مینمایم آنچه سبب ارتفاع مقامات شماست بتقوی الله تمسک نمائید و بذیل معروف تشبث کنید براستی میگویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میالائید عفا الله عما سلف از بعد باید کل بما ینبغی تکلم نمایند از لعن و طعن و ما یتکدر به الانسان اجتناب نمایند



ORIGINAL

مقام انسان بزرگ است چندی قبل این کلمه علیا از مخزن قلم ابهی ظاهر امروز روزیست بزرگ و مبارک آنچه در انسان مستور بوده امروز ظاهر شده و میشود مقام انسان بزرگ است اگر بحق و راستی تمسک نماید و بر امر ثابت و راسخ باشد انسان حقیقی بمثابه آسمان لدی الرحمن مشهود شمس و قمر سمع و بصر و انجم او اخلاق منیره مضیئه مقامش اعلی المقام و آثارش مربی امکان

هر مقبلی الیوم عرف قیص را یافت و بقلب طاهر بافق اعلی توجه نمود او از اهل بهاء در صحیفه حمراء مذکور خذ قدح عنایتی باسمی ثم اشرب منه بذکری العزیز البدیع

ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف نمائید نزد صاحبان بصر و اهل منظر اکبر آنچه سبب حفظ و علت راحت و آسایش عباد است از قلم اعلی نازل شده و لکن جهال ارض چون مربای نفس و هوسند از حکمتهای بالغه حکیم حقیقی غافلند و بظنون و اوهام ناطق و عامل

یا اولیاء الله و امناءه ملوک مظاهر قدرت و مطالع عزت و ثروت حقند در باره ایشان دعا کنید حکومت ارض بآن نفوس عنایت شد و قلوب را از برای خود مقرر داشت نزاع و جدال را نهی فرمود نهیا عظیما فی الکتاب هذا امر الله فی هذا الظهور الأعظم و عصمه من حکم الحو و زینه بطراز الاثبات انه هو العلیم الحکیم مظاهر حکم و مطالع امر که بطراز عدل و انصاف مزین اند بر کل اعانت آن نفوس لازم طوبی لامراء و العلماء فی البهاء اولئک امنائی بین عبادی و مشارق احکامی بین خلقی علیهم بهائی و رحمتی و فضلی الذی احاط الوجود در کتب اقدس در این مقام نازل شده آنچه که از آفاق کلماتش انوار بخشش الهی لامع و ساطع و مشرق است یا اغصانی در وجود قوت عظیمة و قدرت کامله مکنون و مستور باو و جهت اتحاد او ناظر باشید نه باختلافات ظاهره از او

وصیة الله آنکه باید اغصان و افنان و منتسبین طرا بغصن اعظم ناظر باشند انظروا ما انزلناه فی کتبی الاقدس : " اذا غیض بحر الوصال و قضی کتَاب المبدأ فی المال توجهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم " مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده کذلک اظهرنا الامر فضلا من عندنا و انا الفضال الکریم قد قدر الله مقام الغصن الاکبر بعد مقامه انه هو الامر الحکیم قد اصطفینا الاکبر بعد الاعظم امرا من لدن علیم خبیر محبت اغصان بر کل لازم و لکن ما قدر الله لهم حقا فی اموال الناس یا اغصانی و افنانی و ذوی قرابتی نوصیکم بتقوی الله و بمعروف و بما ینبغی و بما ترتفع به مقاماتکم

براستی میگویم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی و جنودی که لایق این سردار است اخلاق و اعمال طیبهء طاهره مرضیه بوده و هست

بگوای عباد اسباب نظم را سبب پریشانی نمائید و علت اتحاد را علت اختلاف مسازید امید آنکه اهل بهاء بکلمه مبارکه قل کل من عند الله ناظر باشند و این کلمه علیا بمثابه آست از برای اطفاء نار ضغینه و بغضاء که در قلوب و صدور مکنون و مخزون است احزاب مختلفه از این کلمه واحده بنور اتحاد حقیقی فائز میشوند انه یقول الحق و یرحم الضالین و هو المقتدر العزیز الجمیل احترام و ملاحظه اغصان بر کل لازم لاعزاز امر و ارتفاع کلمه و این حکم از قبل و بعد در کتب الهی مذکور و مسطور طوبی لمن فاز بما امر به من لدن امر قدیم و همچنین احترام حرم و آل الله و افنان و منتسبین نوصیکم بخدمه الامم و اصلاح العالم

از ملکوت بیان مقصود عالمیان نازل شد آنچه که سبب حیات عالم و نجات امم است نصایح قلم اعلی را بگوش حقیقی اصغرا نمائید انها خیر لكم عما علی الأرض یشهد بذلك کتابی العزیز البدیع